

این کتاب مال
تو است



جناب گورکن

و غافل گیری بزرگ

نویسنده و تصویرگر: لی هابز

مترجم: سیدجواد راهنما



Mr Badger and the Big Surprise
© Leigh Hobbs, 2010
First published in the English language by Allen & Unwin Pty Ltd, Australia, 2010.
Persian Translation © Hoopaa Publication, 2020.

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن، Allen & Unwin، خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، لی هابز و ناشر آن، آلن اند آنوین، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت لی هابز این کار را کرده است.



سرشناسه: هابز، لی
Hobbs, Leigh
عنوان و نام پدیدآور: جناب گورکن و غافل‌گیری بزرگ/ نویسنده و تصویرگر لی هابز؛ مترجم سیدجواد راهنما.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص: مصور.

فروست: جناب گورکن؛ ۱.

شابک: ۳-۲۳۶-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۰-۲۳۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Mr Badger and the big surprise.

یادداشت: گروه سنی: چ.

موضوع: داستان‌های کودکان انگلیسی

موضوع: Children's stories, English

شناسه افزوده: راهنما، سیدجواد، ۱۳۶۰ - مترجم

رده بندی دیویی: ۵۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۵۵۷۰۸

جناب گورکن ا

و غافل‌گیری بزرگ

نویسنده و تصویرگر: لی هابز

مترجم: سیدجواد راهنما

ویراستار: زهرا السادات رضوی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: مریم عبدی

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۳-۲۳۶-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸-۰-۲۳۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

شابک: ۰-۲۳۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

هوپا
Hoopaa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ | تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

www.hoopaa.ir | info@hoopaa.ir

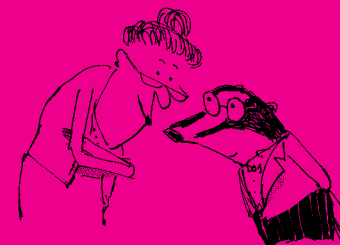
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هر گونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

فهرست

- فصل اول: آن طرفِ پرچین ۹
- فصل دوم: پیاده‌روی تا سر کار ۱۴
- فصل سوم: روز شلوغِ پلوغِ جناب گورکن ۲۳
- فصل چهارم: ورود مهمان‌ها ۳۱
- فصل پنجم: ورود باشکوه ۳۸
- فصل ششم: جناب گورکن روزهای قدیم را فراموش نمی‌کند... ۴۴
- فصل هفتم: لحظه‌ی هیجان‌انگیز جشن تولد سیلویا ۵۲
- فصل هشتم: شب به‌خیر جناب گورکن! ۵۸
- فصل نهم: راز جناب گورکن ۶۴
- فصل دهم: هورا جناب گورکن! ۷۱

تقدیم به خواهرم نرگس
و دختران زیبایش آیدا و آیسای عزیزم.



فصل اول

آن طرفِ پرچین

جناب گورکن توی محله‌ی می‌فیر زندگی می‌کند. اگر تا حالا به این بخش مرکزی شهر لندن آمده‌اید، من الکی زحمت نکشم که نشانی خانه‌ی جناب گورکن را بدهم. مردم سال‌ها هر روز از کنار خانه‌ی گورکن رد می‌شدند، اما یک کوچولو هم به آن توجه نمی‌کردند.



خانه‌ی جناب گورکن در لندن

برای همین، من باید به شما بگویم که این خانه چه شکلی است. خانه‌ی جناب گورکن خیلی خیلی کوچک است و یک پشت‌بام کاه‌گلی دارد.



در جلویی خانه آبی روشن است و یک پنجره‌ی کوچولو با پرده‌ی خال‌خال دارد؛ خال‌خال‌های صورتی و کرم‌رنگ. دو طرف در، دو تا پنجره‌ی بزرگ هست. شب‌ها وقتی که نور روی پنجره‌ها می‌افتد، انگار خانه دو تا چشم دارد.

ولی شما نمی‌توانید آن‌ها را ببینید، چون خانه‌ی جناب گورکن پشت پرچین‌های پُریشتی است که آن را از خیابان‌های شلوغ پلوغ شهر قایم کرده است.





صبحها که جناب گورکن از خانه میزند بیرون تا برود سر
کارش، هوا هنوز تاریک است.

او چفتِ درِ چوبیِ پرچین را خیلی یواش باز می کند تا سروصدا
نکند و کسی از خواب نپرد.
غروبها هم که با یک بغل کاغذ دوباره به خانه برمی گردد،
باز هم هوا تاریک است.





فصل دوم

پیاده روی تا سر کار

چند وقت پیش، یک روز صبح جناب گورکن آماده شد که برود سر کارش. او حتی زودتر از روزهای قبلی حاضر شد.

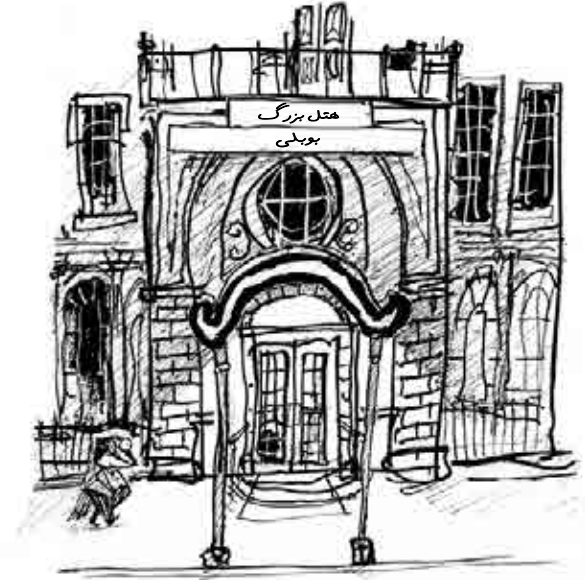




برای جناب گورکن هر روز خدا یک روز شلوغ بود. اما آن روز قرار بود شلوغ پلوغ تر از روزهای قبل باشد. به چند دلیل آن روز روز خاصی بود.

جناب گورکن دوست داشت هر روز از خانه تا سر کارش نگاهی به جاهای مورد علاقه اش بیندازد؛ مثل خانه های قدیمی باحال، پارک های زیبا، نمایشگاه های آثار هنری و مغازه های چای فروشی که توی این قسمت از لندن فراوان بود. بعضی وقت ها هم موقعی که هنوز همه خواب بودند، زل می زد به سالن هتل ها و آپارتمان های شیک که روشنایی باحال و قشنگی داشتند.

البته همه ی همه هم خواب نبودند. چند تا از آدم های سحر خیز سر کار بودند؛ مثل خانم موپ تاپ. وقتی جناب گورکن رد می شد، خانم موپ تاپ مشغول مرتب کردن گل های توی راهروی خانه ی بزرگ خانم کاملیا فیدر بود. موپ تاپ و گورکن خیلی صمیمانه برای هم دست تکان دادند، درست مثل همیشه.



وقتی جناب گورکن به نزدیکی‌های مغازه‌ی چای‌فروشی امپایر رسید، چپ و راستش را نگاه کرد. بعد از خیابان رد شد. با قدم‌های بلند، از پله‌های سنگی بزرگ بالا رفت. روی پله‌ها فرش قرمز انداخته بودند. بالای پله‌ها یک در برنجی بزرگ بود که وقتی هُلش می‌دادی، باز می‌شد و صدای غژغژ بامزه‌ای می‌داد.

هری دربان گفت: «صبح به‌خیر جناب گورکن!»
جناب گورکن جواب داد: «صبح تو هم به‌خیر، هری!»





مثل هر روز، جناب گورکن زل زد به جلیقه‌ی آبی کم‌رنگ و پر از زرق و برق هری دربان و به کراواتش که عینهو کره زرد بود. به کت قرمز روشن او و شلوار خط‌دار مشکی و کفش‌های برق‌برقی‌اش.



بعد توی راهرو، زیر لوسترها، به سمت دفتر کارش راه افتاد؛ دست‌هایش را گذاشته بود پشتش و انگشت‌هایش را که توی دستکش سفید بود به هم قلاب کرده بود.

فصل سوم

روز شلوغ پلوغ جناب گورکن

جناب گورکن مدیر مناسبت‌های خاص در هتل بوبلی است. او مسئول مهمانی‌ها، عروسی‌ها، مراسم شادی و خلاصه مسئول هر چیزی است که بشود اسمش را گذاشت مناسبت خاص. خیلی وقت است که کار جناب گورکن همین است. کار بابایش هم همین بوده. کار بابابزرگش هم همین بود. در این روز خاص، جناب گورکن یک مهمانی مهم داشت که



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر



اینستاگرام هوپا

hoopa_publication



کانال تلگرام هوپا

<https://t.me/hoopabooks>



سایت هوپا

www.hoopa.ir



باشگاه هوپایی‌ها

<http://t.me/hoopaclub>

